

حادثه‌ها

تبرئه‌پدرافغانستانی‌از کودک‌آزاری

● شرق: پدري افغانستانی که متهم بود دختر ۱۲ساله‌اش را آزار و اذیت می‌کرد، از کودک‌آزادی تبرئه شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی پیش زن جوانی که تابعیت افغانستان داشت، به کلانتری خاتون‌آباد پاکدشت ورامین مراجعه و از همسرش، رامین، شکایت کرد. او به پلیس گفت: لایلا، دختر ۱۲ساله‌ام، بارها مورد آزار و اذیت پدرش قرار گرفته است. هربار که اعتراض می‌کردم، من را با جاقو تهدید می‌کرد و می‌گفت اگر به کسی حرفی بزنم یا از او شکایت کنم من را خواهد کشت. یک‌بار هم موضوع را با پدرش‌مردمیان گذاشتم، او در پاسخ به من گفت اشکال ندارد، پدرش است تو نباید به کسی حرفی بزنی. با شکایت این زن جوان، پرونده علیه رامین به جریان افتاد و مأموران تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. آنها ابتدا از لیلای ۱۲ساله تحقیق کردند. او با تایید حرف‌های مادرش به پلیس گفت: نمی‌دانم چرا پدرم با من این‌طور رفتار می‌کرد، انگار شیطان در جلد او رفته بود. مادرم همیشه سعی می‌کرد از من دفاع کند، اما پدرم او را تهدید می‌کرد. از این زندگی خسته شده بودم، برای همین یک روز هنگامی که پدرم به من پول داد تا برایش قرص بخرم، به خانه خالهام رفتم و موضوع را با او در میان گذاشتم.

او به مادرم پیشنهاد داد از پدرم شکایت کنم. به‌این‌ترتیب لایلا به پزشکی‌قانونی منتقل شد و پزشکی‌قانونی آثار آزار و اذیت‌ روی بدن این دختر ۱۲ساله را تایید کرد. با تایید پزشکی‌قانونی، کارآگاهان رامین را بازداشت و مورد بازجویی قرار دادند. او را اداع را رد کرد و گفت همسر و دخترش دروغ می‌گویند. در ادامه تحقیقات، مأموران به محل کار رامین رفتند. همکاران رامین به مأموران گفتند تاکنون مورد سوئی از او مشاهده نکرده‌اند. سا تکمیل پرونده، کیفرخواست علیه رامین صادر شد و پرونده برای رسیدگی در اختیار جبهه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. در این جلسه شاکلی در جایگاه حاضر شد و بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و گفت اگر رامین من را طلاق دهد و حضانت لایلا را به من بسپارد، از شکایت خود صرف‌نظر می‌کنم. در ادامه جلسه، رامین گفت: هرگز به خانواده‌ام آسیب نرسانده‌ام و آنها را دوست دارم. با پایان جلسه، قضات جلسه رسیدگی را برای رسیدگی بیشتر به وقت دیگری موکول کردند. روز گذشته این خانواده بار دیگر در دادگاه حاضر شدند تا به پرونده آنها رسیدگی شود. در ابتدای جلسه، مادر لایلا در جایگاه ایستاد و گفت: سال‌ها پیش با رامین ازدواج کردم و از او یک دختر ۱۲ساله و یک پسر پنج‌ساله دارم. از زمانی که به‌خاطر دخترم خانه را ترک کردم دیگر پسرم را ندیدم. از رامین می‌خواهم من را طلاق دهد و حضانت فرزندانم را نیز به من بسپارد. او پدر خوبی نیست و فرزندانم را آزار می‌دهد. سپس رامین در برابر قضات ایستاد و گفت: همسرم دروغ می‌گوید و من هرگز به فرزندانم آسیبی نرسانده‌ام. در ادامه رسیدگی، متهم با سوگند به قرآن بار دیگر گفت هرگز به فرزندش آسیبی نرسانده است. با پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و متهم را از اتهام کودک‌آزاری تبرئه کردند.

بازداشت عوامل آتش‌زدن درمسجد جوادالائمه پایتخت

● ابرنا: رئیس پلیس تهران بزرگ گفت: افرادی که اقدام به آتش‌زدن در مسجد جوادالائمه(ع) در منطقه شرق تهران کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. سردار حسین رحیمی، روز چهارشنبه در حاشیه طرح برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان متجاهر منطقه ۱۲، در جمع خبرنگاران افزود: برخورد پلیس با هتک حرمت باورها و اعتقادات مردم، بسیار قاطع و جدی است. او با تکذیب شایعات مطرح‌شده مبنی بر اینکه افرادی که در این مسجد را آتش زده‌اند با گروه‌های شیطان‌پرستی مرتبط هستند، اظهار کرد: افراد دستگیرشده تحت اغوا و آموزش برخی شبکه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای، این عمل زشت را مرتکب شده‌اند. سردار رحیمی همچنین از جمع‌آوری ۸۲۰ معتاد متجاهر در ۲۴ ساعت گذشته در سطح منطقه ۱۲ تهران خبر داد. او اظهار کرد: در همین ارتباط، ۲۵۵ عرضه‌کننده مواد مخدر در محدوده مناطق شوش، مولوی و هرندی شهر تهران دستگیر و به مراجع قضائی تحویل داده شدند. رحیمی با اشاره به انهدام سه باند بزرگ عرضه مواد مخدر در سطح شهر تهران، گفت: در این رابطه هشت نفر به عنوان عوامل اصلی قاچاق و توزیع، دستگیر و ۸۷۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر به‌ویژه هروئین از این افراد کشف و ضبط شده است. رئیس پلیس تهران بزرگ با بیان اینکه پاک‌سازی شهر از وجود معتادان متجاهر و برخورد قاطع با توزیع‌کنندگان مواد مخدر از مطالبات اصلی شهروندان تهرانی است، تصریح کرد: طرح برخورد با قاچاق و عرضه مواد افیونی، به صورت مستمر و با جدیت در مناطق مختلف شهر تهران اجرا می‌شود. به گفته سردار رحیمی، معتادان متجاهر جمع‌آوری‌شده دراین طرح، پس از غربالگری به کمپ‌های ویژه نگهداری و درمان منتقل می‌شوند.

شرق: مأمور پلیسی که به دست مردی خلافکار به قتل رسیده و اولیای‌دم از قصاص او گذشت کرده بودند، قرار بود چند روز بعد از شهادتش نامزد کند. پدر و مادر «علی احمدی»، مأمور پلیسی که در پی تعقیب و گریز و درگیری مسلحانه با فردی خلافکار کشته شد، وقتی فرزندشان به خوابشان آمد، تصمیم به گذشت گرفتند. پدر این مأمور پلیس درباره آرزوهای پسرش، به شاهد حلاج، خبرنگار روزنامه «شرق»، گفته است و توضیح داده فقط سه روز تا نامزدی پسرش مانده بود که او را به قتل رساندند.

شما چطور از شهادت پسرتان مطلع شدید؟

من ماشین دارم، آن روز در ماشین نشسته بودم و می‌خواستم جایی بروم که یک نفر از همکاران پسرم آمد گفت علی در رباط تصادف کرده است. از من خواست با او به محل تصادف بروم، وقتی به آنجا رفتم یک سرهنگ پیش من آمد و من را با خودش به سمت بیابان برد که یک آمبولانس هم توقف کرده بود، وقتی به آمبولانس رسیدم دیدم که یک نفر روی زمین افتاده است و پتو روی او کشیده‌اند. آن موقع بود که فهمیدم چه شده است و همان‌جا از حال رفتم. نیم‌ساعت بی‌هوش و گیج بودم و وقتی حالم بهتر شد ماجرای شهادت علی را برای من شرح دادند.

هیچ‌وقت از کاری که پسرتان به‌عنوان پلیس انجام می‌داد خبر داشتید؟

بعد از شهادتش دوستان و همکارانش من را به جاهایی که عملیات کرده بود بردند و نشان دادند، حتی ماشین‌هایی که گرفته بود، اسلحه‌هایی که کشف کرده بودند و گفتند یک هفته قبل از شهادت ۷۰۰ یا ۸۰۰ کیلوگرم مواد مخدر کشف کرده بود.

خودش هیچ‌وقت درباره شغلش با شما صحبت می‌کرد؟ به‌رحال مأمور پلیس بودن شغل پرخطری است و در هر مأمورینی ممکن است پلیس به شهادت برسد.

پسرم هیچ‌وقت از کارهایی که در جایگاه یک پلیس انجام می‌داد با ما صحبت نمی‌کرد، چون می‌دانست مادرش نگران می‌شود و مادرش هم همیشه به او می‌گفت جاهای سخت نرود؛ اما رفیق‌هایش بعد از شهادتش برای ما تعریف کردند که هر روز با زده‌ها و قاچاقچی‌ها و آدم‌های خلافکار سروکار داشت و چون او فعالیت بیشتری داشت او را به عملیات می‌فرستادند.

آیا هیچ‌وقت فکر می‌کردید چنین اتفاقی بیفتد؟

نه فکر نمی‌کردم، البته پدرها و مادرها همیشه نگران بچه‌هایشان هستند.

پسر شما چه مدت بود در پلیس خدمت می‌کرد؟

پسرم از سال ۸۳ با ۸۴ وارد پلیس شد، دو سالش را در منطقه مهران سربازی کرد و بعد از آن بود که وارد پلیس شد و این اتفاق برایش افتاد.

شما چند فرزند دارید و علی زمانی که این اتفاق برایش افتاد

حوادث

ناگفته‌های پدر مأمور پلیسی که از قصاص قاتل فرزندش گذشت

۳ روز تا نامزدی پسرم مانده بود



چند سال داشت؟

یک پسر و چهار دختر دارم و علی پسر بزرگ من بود که هم‌زمان با خدمت در پلیس، در دانشگاه در یکی از رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کرد.

ازدواج کرده بود؟

مدتی بود که برای او با خانواده یک دختر صحبت کرده بودیم و قرار بود نامزد کند، روزی که این اتفاق افتاد پنج‌شنبه بود و سه روز بعد آن یعنی شنبه قرار بود نامزد کند. البته چند ماهی بود که درگیر مراسم خواستگاری بودیم و حتی خانواده دختر هم گفتند باید از محل کارش تحقیق کنند. او هم درخواست مرخصی و وام و مسکن کرده بود که اتفاقاً چند روز قبل از شهادتش با درخواستش موافقت شده بود. دوستانش بعد از شهادت به من گفتند روزی که نامه موافقتش آمده بود، پسرم مأموریت بوده است و وقتی برگشته بود به او گفته بودند مزدگانی یده و شیرینی برایمان بخر، سرهنگ تو را کار دارد و با درخواست مرخصی‌ات هم موافقت شده است که علی به آنها گفته ان‌شاءالله شیرینی شهادتم را هم به شما می‌دهم.

آیا پس از این اتفاق خانواده مقتول برای رضایت پیش شما آمدند؟

خیلی آمدند، اما چون ما تصمیم به قصاص داشتیم خواهش‌های آنها در ما اثر نمی‌کرد.

آیا هیچ‌وقت با قاتل پسرتان رودرو صحبت کردید؟

نه من حرفی با او نداشتم، فقط یک بار او را در دادگاه دیدم و حتی الان نمی‌توانم او را نفرین کنم و هیچ‌وقت هم نفرین نکردم، به خدا واکذار کرده‌ام و گفتم هر کاری می‌خواهی خودت با او بکن.

چه شد که تصمیم گرفتید بدون پول رضایت بدهید؟

مردم هم خیلی پیش ما آمدند که پول بگیر و رضایت بده، اما ما اصلا تصمیم به رضایت نداشتیم که بخوایم پول بگیریم یا نه، بعد از آن هم اگر با پول رضایت می‌دادیم دلمان راضی نمی‌شد. همان روزی که ما به قاتل پسرمان مهلت دادیم، چند قاتل دیگر را هم برای اجرای حکم آورده بودند، حکم همه آنها اجرا شد و فقط ما بودیم که چند ماه مهلت دادیم، آخرسر هم که همسرم خواب دید و به خاطر ماه محرم و امام حسین(ع) از خون پسرمان گذشتیم.

الان که قصاص نکرده‌اید چه احساسی دارید؟

حالم خوب است، چون به‌خاطر رضای خدا و خون امام‌حسین(ع) از قاتل گذشتیم، اگر ما از قاتل گذشت نمی‌کردیم جانش را می‌گرفتیم کار تمام می‌شد، اما الان اثر بخشش ما باقی خواهد ماند.

آیا در مدت این چند سال با فرزندان دیگرتان درباره قصاص یا بخشش قاتل صحبت می‌کردید؟

بله، صحبت می‌کردیم و خیلی از مواقع هم بچه‌ها به ما می‌گفتند که رضایت بدهید، ولی چون پسرمان بی‌گناه کشته شده بود راضی نمی‌شدیم و بیشتر از همه ما مادر شهید بود که اصرار به قصاص داشت.

چه شد که تصمیم به رضایت گرفتید؟

پسرم انگار به دلش افتاده بود که شهید می‌شود و به دوستانش هم گفته بود که شیرینی شهادتش را می‌دهد، بعد از این اتفاق پسرم به خواب دخترم و چند نفر از فامیل آمده بود که چرا رضایت نمی‌دهید، برای رضای خدا رضایت بدهید و گفته بود که با آنها مدارا کنید، خوبی ندارد. وقتی اینها را به ما گفتند ما دیگر نتوانستیم قصاص کنیم و تصمیم گرفتیم مهلت بدهیم و همسرم هم گفت اگر پسرم به خواب خود بیاید، رضایت خواهیم داد، بعد هم که به خواب همسرم آمد، دیگر ما مطمئن شدیم که باید رضایت بدهیم و سه‌شنبه بود که به دادسرا رفتیم و رضایت دادیم.

پسران در مورد شهادت با شما یا دوستانش صحبت کرده بود؟

با ما و دوستانش که نه، اما در وصیت‌نامه‌ای که در آخرین سفری که به مشهد داشت نوشته بود و بعد از شهادتش به دست ما رسید، متوجه شدیم که در مشهد هم از امام (رضاح) شهادت خواسته بود و وقتی ما دیدیم که او به آرزویش رسیده و به خواب فامیل و مادر خودش هم آمده و خواسته است مدارا کنیم، تصمیم به مدارا گرفتیم و برای رضای خدا رضایت دادیم. فکر می‌کنم، روح پسرم هم در آرامش است. من و اعضای خانواده‌ام هم حال بهتری داریم و امیدواریم قاتل به راه راست هدایت شود و دیگر کارهای خلاف نکند.

۱۵ مهر ۱۳۹۶

مدرسه روستای ساندک زهی در منطقه دشتیاری چاپهار

به همت صدها حامی افتتاح شد.



انجمن حمایت از توسعه فضا‌های آموزشی و فرهنگی حامی سازمانی مردم‌نهاد غیرانتفاعی و غیرسیاسی است که با هدف فراهم نمودن بستری مناسب برای نشر دانش و آگاهی ورزشی و زی‌ساخت های فرهنگی با مجوز رسمی از وزارت کشور از سال ۱۳۸۰ فعالیت خود را در زمینه ساخت مدرسه در مناطق محروم کشور آغاز کرد. از سال ۱۳۸۸ به ساخت ونجه‌رنگ‌تابخانه های روستایی پرداخت و در سال ۱۳۹۱ آموزش در مناطق محروم را به برنامه فعالیت های خود افزود.

www.HamI.Association
www.HamIAssociation.org
Tel: +۹1-۸۸۱۷۵۲۵

رخداد

اهدای عضو مأمور پلیس پس از مرگ مغزی

● شرق: خانواده مأمور پلیسی که در پی حادثه تصادف ماشین دچار مرگ مغزی شده بود، اعضای بدن او را اهدا کردند. ۱۷ مهرماه با اعلام رضایت خانواده ستوان دوم «روح‌الله میرزایی» اعضای بدن این مأمور دلاور فرماندهی انتظامی استان فارس که در حین اعزام به مأموریت جان به جان‌آفرین تسلیم کرد، اهدا شد. سردار احمدعلی گودرز، فرمانده انتظامی استان فارس، در این‌باره به میزان گفت: ساعت ۱۳روز هفدهم مهر بر اساس اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درخصوص وقوع یک قفسه‌واژگونی خودرو در جاده لارستان – جهرم، بلافاصله مأموران برای بررسی موضوع به محل موردنظر اعزام می‌شوند.

گودرز، ادامه داد: مأموران در محل مشاهده می‌کنند که یک دستگاه خودرو زانتیا به رانندگی ستوان دوم «روح‌الله میرزایی»، از کارکنان قرارگاه صالحین فرماندهی انتظامی استان فارس، به کاردریل کنار جاده برخورد کرده است که مصدوم از سبوی عوامل اورژانس به بیمارستان پیمانیه جهرم منتقل می‌شود. وی افزود، بر اثر شدت جراحات وارده، ستوان دوم «روح‌الله میرزایی» روز سه‌شنبه در بیمارستان پیمانیه شهرستان جهرم جان‌به‌جان‌آفرین تسلیم کرد. فرمانده انتظامی استان فارس با بیان اینکه ستوان دوم میرزایی برای انجام مأموریتی به جنوب استان اعزام شده بود، گفت: خانواده مرحوم میرزایی با حضور در بیمارستان پیمانیه موافقت و رضایت خود را برای اهدای اعضای بدن این مأمور دلاور نیروی انتظامی استان اعلام کردند. سردار گودرز، ضمن طلب مغفرت و آمرزش برای این مرحوم و صبر برای خانواده وی، گفت: مأموران نیروی انتظامی تا جان در بدن دارند در راه نظم و امنیت از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کنند.

وی افزود: اهدای اعضای بدن این مأمور دلاور ناجا نشان‌دهنده روحیه ایثار و فداکاری مأموران جان‌برکف نیروی انتظامی است که پس از مرگ نیز خیر آنها به مردم می‌رسد. فرمانده انتظامی استان فارس گفت: مرحوم ستوان دوم «روح‌الله میرزایی» از کارکنان دلاور و شجاع بود که در چند عملیات دیگر مورد اصابت گلوله‌اشار مسلح قرار گرفته و به درجه جانبازی نیز نائل شده بود.

انجمن حامی مراتب قدردانی خود را از تک تک حامیانی که با حمایت از کمپین “سهم من

از مدرسه تو” در ساخت مدرسه روستای ساندک زهی مشارکت داشتند اعلام می‌دارد.به امید

روزی که هیچ کودکی به دلیل نبود امکانات از رفتن به مدرسه باز نماند.

این مدرسه به نام زنده یاد مهندس تورج ماهی بیرجند،مهندس پروژه های انجمن حامی

نامگذاری شده است.